

صبر - توکل - رضا

برخی واژه‌ها گاهی به غلط ترجمه و تفسیر می‌شوند؛ مثلاً صبر را گاهی به «تحمل» و «قبول ظلم» معنا می‌کنند و می‌گویند یک مسلمان صبور، باید بر هر ظلمی که بر او وارد شد، صبر کند. این تفسیر که در واقع ظالم‌پروری و حقارت‌طلبی است، ابداً در مورد صبر صحیح نیست؛ بلکه صبر به معنای مقاومت، پایداری، برخورد صحیح با مشکلات و تحکیم و تثبیت حق است، هر چند مستلزم از دست دادن مال و جان و آبرو باشد.

قیام امام حسین علیه السلام یک نمونه بارز صبر است؛ همچنان که صلح امام حسن علیه السلام نیز الگوی تمام عیار صبر بود. زیرا امام مجتبی علیه السلام می‌دید اگر شمشیر بکشد، معاویه تمام شیعیان امیرالمؤمنین علی علیه السلام را می‌کشد و بر تخت سلطنت می‌نشیند و همانطور که خودش گفته بود، نام مبارک رسول الله را برای همیشه از صفحه تاریخ می‌زداید. اینجاست که امام و حجت خدا کاسه صبر را هر چند که تلخ است، می‌نوشد و با صلح خود، جان شیعیان را حفظ می‌فرماید.

امام حسین علیه السلام هم بر اساس همین منطق می‌دید که اگر در خانه بنشیند و با یزید مقابله نکند، دیگر هیچ‌کس را یارای آن نیست که این مردم خفته و جاهل را از خواب غفلت بیدار کند و هشدار دهد. لذا خونس را در این راه ریخت و جوانانش را قربانی کرد و به اسارت زنان و فرزندانش رضایت داد. بنابراین صبر، پایداری و استقامت مناسب است که گاهی در لباس سکوت و صلح جلوه می‌کند و گاهی در لباس فریاد و خون.

خدای تعالی در سوره بقره آیه 177 درباره متقین می‌فرماید: «والصابرين في الباساء والضراء» (آنها در سختی‌ها و بلاهای صبر را پیشه می‌کنند و با پایداری و استقامت قدم برمی‌دارند). محقق طوسی می‌فرماید: «صبر به معنای خودنگهداری و حفظ نفس است؛ به طوری که شخص در مقابل سختی‌ها جزع و بی‌تابی نکند و در باطنش، اضطراب حاصل نگردد و زبان به شکایت باز نکند.» صبر به انواعی تقسیم می‌گردد: «صبر بر مصیبت، صبر بر طاعت، صبر بر ترک معصیت، صبر بر حسن خلق.»

راغب می‌گوید: «صبر لفظ عامی است که برحسب موارد، اسم‌های گوناگون دارد؛ مثلاً صبر در مقابل مصیبت به همان کلمه «صبر» تعبیر می‌شود، استقامت در میدان نبرد را «شجاعت» گویند، به پایداری در مقابل ناملایمات «سعه صدر»، به صبر در نگفتن سخن «کتمان» و به صبر بر خوردن غذا «صوم» (روزه) می‌گویند.»

صبر نوعی تحمل مشقت است که اگر با بینش الهی توأم گردد، ارزش فوق العادی دارد؛ به طوری که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام می‌فرماید: «الصبر رأس الايمان» (صبر نسبت به ایمان، مانند سر است نسبت به بدن).

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «بهشت در سختی و صبر پیچیده شده است. هر کس در دنیا بر سختی‌ها و ناملایمات صبر و بردباری ورزد داخل بهشت می‌شود؛ جهنم نیز به لذات و شهوات پیچیده شده است؛ و هر کس به دنبال لذت‌ها و خواسته‌های نفسانی برود، به جهنم داخل می‌گردد.»

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «ما صابر و شکیباییم و شیعیان ما صابتر و شکیباترند... زیرا ما از همه چیز آگاهیم و صبر می‌کنیم ولی شیعیان ما از بسیاری چیزها آگاه نیستند و با این حال همچنان صبر پیشه می‌کنند.»

جابر از امام باقر علیه السلام پرسید: «صبر حمیل چیست؟»

فرمود: «صبری است که شخص زبان شکوه و شکایت به سوی مردم باز نکند.»

رسول خدا صلی الله و علیه و آله و سلم فرمود: «در روز قیامت که همه خلائق جمع هستند، منادی از طرف خداوند ندا می‌کند که اهل صبر کجایند.

گروهی از مردم برمی‌خیزند. دسته‌ای از ملائکه به استقبال آنها می‌آیند و می‌پرسند «صبر شما چه بوده است؟»

می‌گویند «ما بر طاعت خداوند و ترک معصیت او صبر کرده‌ایم.»

منادی ندا می‌کند که: «بندگان من راست می‌گویند. راه آنها را باز کنید تا بدون حساب به بهشت بروند.»¹

تقوا و توکل بر خدا

اول: مسئله رعایت تقوی و توکل بر خداوند متعال در تمام شئون است، چه آنکه تقوی موجب پیشرفت در تمامی امور است و توکل به پروردگار متعال نیز سبب می‌شود تا انسان را یاری نموده و به اهداف خویش نائل گرداند.

چنانچه در قرآن کریم آمده است:

(و من یتق الله یجعل له مخرجاً و یرزقه من حیث لا یحتسب و من یتوکل علی الله فهو حسبه ان الله بالغ امره قد جعل الله لكل شیء قدراً) (سوره طلاق: آیات 2 و 3).

و هرکس خداترس و پرهیزکار گردد خداوند راه بیرون رفتن از محور گناهان و بلاها و حوادث سخت عالم را بر او می‌گشاید و از جائی که گمان نبرد به او روزی عطا می‌کند و هرکه در هر امری بر خدا توکل کند خدا او را کفایت خواهد نمود - امر او بر همه عالم نافذ و جاری است و برای هر چیزی مقدار و حدی مقرر نموده، در عهده کسی سرپیچی از تقدیرش را نیست.

و در روایتی ابوذر غفاری علیه‌الرحمة از پیغمبر اکرم (ص) نقل می‌کند که آن حضرت فرمودند: (یا اباذر ان سرک ان تکون اقوی الناس فتوکل علی الله وان سرک ان تکون اکرم الناس فاتق الله وان سرک ان تکون أغنی الناس فکن لما فی یدی الله عز و جل اوثق منك بما فی یدیک یا اباذر لو ان الناس کلهم اخذوا بهذه الآیة لکفتهم).

ای اباذر اگر دوست داشتنی قوی‌ترین مردم باشی پس توکل بر خدا را در تمام شئون پیشه کن و اگر دوست داشتنی گرامی‌ترین مردم باشی پس تقوی و ترس از خدا داشته باش و اگر دوست داشتنی بی‌نیازترین مردم باشی به آنچه نزد خدا است اعتمادت بیشتر باشد تا به آنچه که نزد تو است.

ای اباذر اگر تمام مردم این آیه را فرا گرفته به آن عمل کنند همه را کفایت می‌کند.

و بعد حضرت آیه مبارکه (و من یتق الله) را تلاوت فرمودند.

و در روایتی دیگر از پیغمبر اکرم (ص) نقل شده که فرمودند:

¹ - بحار الانوار، ج 71، باب 62.

(لو ان رجلا توکل علی الله بصدق النیة لاحتاجت الیه الامور ممن دونه فکیف یحتاج هو و مولاه الغنی الحمید).

اگر مردی با نیت صادقانه توکل بر خدای نمود هر آئینه مشکل کار افراد زیر دست او به دستش حل خواهد شد، پس چگونه او نیازمند به دیگران خواهد شد، حال آنکه مولای او خداوند بی‌نیاز و شاکر است.

و در ارشاد القلوب از امیرالمؤمنین (علیه‌الصلاة والسلام) روایت است که پیغمبر اکرم(ص) فرمودند: (در معراج به حضرت باری عرض کردم یا ربّ، ای الاعمال أفضل؟).
فقال الله عز و جل: (یا احمد لیس شیئی افضل عندی من التوکل والرضا بما قسمت).
پروردگارا کدامین عمل نزد تو بهتر است؟ پس از جانب حق خطاب رسید - ای احمد هیچ چیز نزد من بهتر از توکل بر من و راضی بودن به تقسیم روزی نیست.

توکل و مراتب آن²

بحث دیگری که در کتاب چهل حدیث حضرت امام خمینی (ره) بدان پرداخته شده در باب توکل، معنای آن و تفاوت توکل با رضا و ثقه است .

دریچه در این زمینه ، با روایتی از امام کاظم علیه السلام باز می شود .
علی بن سوبید می گوید: از امام کاظم علیه السلام درباره این فرموده خدا " وَ مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَيَّ اللَّهُ فَهُوَ حَسْبُهُ " (یعنی هر کس به خدا توکل کند، خداوند برای او کافی است) ، سوال کردم.
حضرت فرمود: توکل بر خدا دارای درجاتی است . از مراتب توکل ، آن است که در تمام کارهایت بر خداوند توکل کنی . پس هر آنچه در راه تو انجام داد، از آن خشنود باشی . بدانی که او نیکویی و فضل را از تو منع نمی کند و بدانی که فرمان در آن مخصوص خداست . پس بر خداوند نسبت به واگذاری آن [امور] به او توکل کن و به خداوند در آن [امور] و غیر آن [امور] اعتماد نما.

" معنای توکل و مراتب آن "

توکل از لحاظ لغت ، به معنای اظهار ناتوانی و اعتماد به غیر خود می باشد.
صاحب " منازل السائرین " توکل را این دانسته است: " واگذار کردن تمام امور به صاحب آن و بر وکالت او اعتماد داشتن."

برخی نیز گفته اند: توکل بر خدا ، به معنای آن است که بنده ، تمام امیدها و آرزوهای خود را از مخلوقات قطع کند و به حق ببیند . توکل بسته به مقامات مختلف بندگان و مراتب معرفت انسانها ، دارای درجات و مراتب است .

" فرق بین رضا و توکل "

شخص متوکل ، خیر و مصلحت خود را می خواهد و خداوند متعال را در کسب این خیر و مصلحت ، وکیل امور خود می کند ؛ اما شخص راضی ، اراده خود را در اراده خداوند فانی کرده و هر آنچه را خداوند اراده کند ، می پسندد.

بر این اساس ، مقام رضا عالی تر از مقام توکل است . چنان که از بعضی اهل سلوک پرسیدند: " چه اراده کرده ای؟ "

گفت: " اراده کرده ام که اراده ای نداشته باشم."

این مطلب بیانگر مقام رضای ایشان است.

² - کتاب چهل حدیث ، ص 48-53

" فرق میان تفویض ، توکل و ثقه "

میان توکل ، تفویض و ثقه ، تفاوت های ظریفی وجود دارد .
خواجه عبدالله ، تفویض را لطیف تر از توکل دانسته است. تفویض آن است که بنده در کلیه کارها ، خود را بدون قدرت و توان و بدون تصرف بشمارد و خداوند را متصرف بداند ؛ اما شخص متوکل ، خداوند را قائم مقام خود در جلب خیر و صلاح خویش می گرداند . تفویض در کلیه امور ؛ اما در توکل ، برای جلب خیر و مصلحت است.

" تفاوت دیگر این که توکل زمانی محقق می شود که کار موجب توکل ایجاد شود ، مثل توکل پیامبر و یارانش در حفظ آنها از مشرکین ؛ اما تفویض ، گاه قبل از ایجاد سبب امر مورد تفویض و گاه بعد از وقوع سبب می باشد ؛ مثل تفویض مؤمن آل فرعون " . مطالبی که پیش تر آمد ، شرح عارف معروف عبدالرزاق کاشانی از عارف کامل خواجه عبدالله انصاری است . در این که توکل شعبه ای از تفویض باشد، مسامحه ای روشن است ، و همچنین توکل می تواند قبل و بعد از بروز موجب توکل باشد .
" ثقه " نیز غیر از توکل و تفویض است . چنان که خواجه گفت: مقامات سه گانه [توکل ، رضا و تفویض] بدون ثقه به دست نمی آید . بلکه روح آن مقامات ، اعتماد به خداوند متعال است ، و تا زمانی که بنده به خداوند متعال اعتماد نداشته باشد ، به آن مقامات نمی رسد.
اگر می خواهید با اهل بیت ارتباط برقرار کنید بایستی به صفت اون فرد که منتصب است نزدیک شویم. مثلا وقتی به صفت حضرت علی (ع) نزدیک می شیم در حقیقت به خودش نزدیک می شیم.

رضا

رضایت یک احساسه، احساس این که تو در این احساس نیاز به جایی یا چیزی نداری. رضا از صمدیت و غنا گرفته شده. چون انسانی که راضی هست نیازی به چیزی نداره. همیشه بهش بگیم سعادت یا خاطر آسوده یا آرامش حقیقی.

بزرگترین صفتی که میان اهل بیت است کلمه رضا ست که کلمه بسیار مهم و بزرگی است. خدا رو شکر می کنیم که ما رو بچه محل و همسایه کسی قرار داده که این شخص به صفتی منتصب است که آخر رسیدن به خداست. ما بیشتر از راه روایی به این قضیه نگاه می کنیم اما امشب قصد داریم از دید دنیوی به این مسئله نگاه کنیم.

دستور العمل برای رسیدن به رضا در دنیا:

آیا رضا صفتی است که فقط و فقط باید بشینیم که اهل بیت بدن یا عادات مادی را هم باید رعایت کنیم. مثلا می گیم امام رضا باید بطلبه که به زیارتش بریم که یقینا و قطعاً همینطور است. یا کسی که در ایام شلوغ سال برای دزدی به مشهد میاد این هم یک جور طلبیدننه. اما اگه تو هزینه ای رو جمع کنی باید تلاش داشته باشی، وقتت رو تنظیم کنی و روی نفست پا بذاری و در بهترین شرایط سال از شهری به شهر دیگه ای بری.

رضایت که بالاتر از ولایت و حلقه گم شده بشر است. بشر امروز راضی نمیشه. بشر امروز یه فرقی کرده: درجه ی رضایت مادیش خیلی بالا رفته، یا نه! اصلا بهتره بگم بشر امروز اصلا راضی نمیشه.

منابع و مأخذ :

بحار الانوار، ج 71

کتاب چهل حدیث ، حضرت امام خمینی (ره) ، انتشارات آستان قدس رضوی